

# باغ وحش آنلاين



دانيلا درينا احمد عبدالسلام



اینترنیٹ  
امن تر



www.



وای  
ای فای





# بَاغ وَحَسَّ أَنْلَابِن

دَانِيَلَا دَرُبِنَا      اَحْمَدُ عِبْدَالسَّلَامِ



امروز، در باغ وحش آنلاین یک روز معمولی است. در این روز زیبا، بچه‌ها و بزرگترها برای گردش و دیدار از حیوانات به باغ وحش می‌آیند. "السا"، مدیر باغ وحش هم در این لحظه از راه می‌رسد.



او به تمام بازدیدکننده‌هایی که به باغ وحش آمده‌اند، سلام می‌کند. امروز تعداد بازدیدکننده‌ها بسیار زیاد است. مدیرالسا از حضور به‌خصوص بازدیدکننده‌های کم‌سن و سال بسیار خوشحال است. او از مدیریت باغ وحش آنلاین به خود می‌بالد، چون باغ وحش او استثنایی است.

همه‌ی حیواناتی که در باغ‌وحش آنلاین زندگی می‌کنند، اینترنت، کامپیوتر و تلفن همراه دارند. اما این‌که چرا یک باغ‌وحش و حیوانات به اینترنت نیاز دارند، دلایل گوناگونی دارد.



اینترنت برای حیوانات مهم است، چون می‌توانند از طریق آن با هم در تماس باشند.

آقای شیر هروقت دلش برای خانواده‌اش تنگ می‌شود، می‌تواند با آن‌ها تماس بگیرد. مادرش هم از راه دور می‌تواند به او بگوید که باید حسابی حواسش به

مسواک زدن دندان‌هایش باشد.





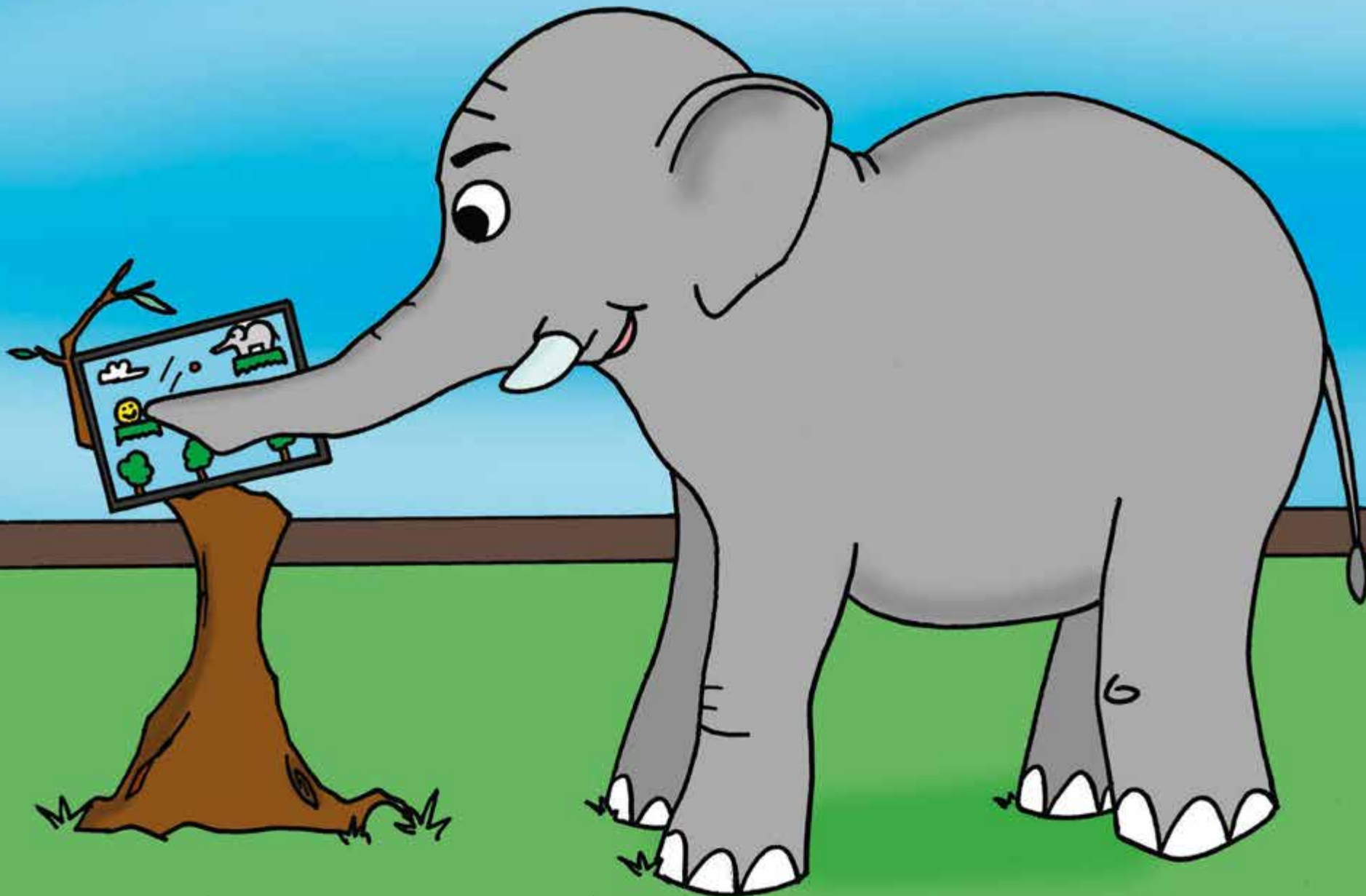
اینترنت برای حیوانات اهمیت دارد، چون می‌توانند از طریق آن بیاموزند.

خرس قهوه‌ای از راه اینترنت کامپیوترش می‌تواند دمای هوا را بررسی کند و دریابد که زمستان هنوز تمام نشده و می‌تواند همچنان به خوابیدنش ادامه دهد.

اینترنت برای حیوانات از این جهت هم مهم است که در زمان نیاز می‌توانند درخواست کمک کنند.

مثلاً پنگوئن به‌دلیل سرماخوردگی شدید، به دکتر باغوحش ایمیل می‌فرستد.





اینترنت، همچنین، برای حیوانات به این دلیل اهمیت دارد که از طریق آن می‌توانند سرگرم شوند. با این حال، حتی باغوحش هم گاهی کسالت‌آور می‌شود. فیل خوشحال است که می‌تواند در چنین مواقعی به کمک بازی مورد علاقه‌اش که روی تبلت نصب شده است، خودش را سرگرم کند.



مدیرالسا دارد آماده می‌شود تا از باغ وحش بازدید کند.

او میخواهد، مثل هر روز، حیوانات را ببیند؛ کیفش را کناری می‌گذارد و لباس کارش را می‌پوشد.  
حالا کارهای اولیه‌اش تمام شده و آماده‌ی رفتن است.



قفس میمون‌ها خیلی شلوغ است. میمون‌ها دارند با هم بازی و روی میله‌های قفس جست‌و‌خیز می‌کنند. آن‌ها از این درخت به آن درخت آویزان می‌شوند و تویی را به سمت جلو و عقب پرتاب می‌کنند.



اما بعضی از آن‌ها هم بازی نمی‌کنند. میمون موریسیو در گوشه‌ای تنها نشسته و به تلفن همراهش خیره شده است. او نمی‌تواند نگاهش را از صفحه‌ی نمایشگر تلفن همراه بردارد، تمام موضوعات دوروبرش را فراموش کرده است.



مدیرالسا نگران است، به میمون سلام می‌کند و می‌گوید:

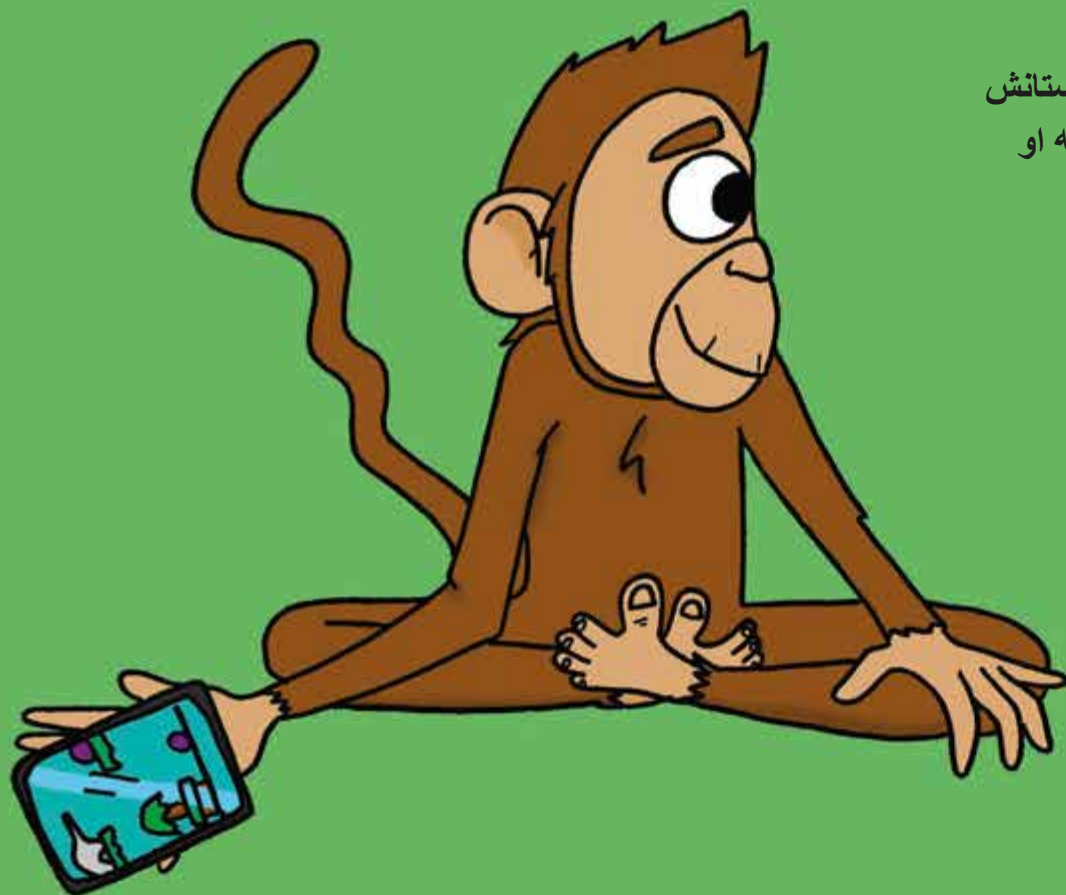
«صبح‌به‌خیر موریسیو. چرا با دیگران بازی نمی‌کنی؟»

موریسیو تلفن همراهش را به او نشان می‌دهد و در جواب می‌گوید:

«مگر نمی‌بینی من دارم بازی می‌کنم؟»

مدیرالسا می‌پرسد: «نمی‌خواهی با میمون‌های دیگر بازی کنی؟ آن‌ها بدون تو بازی را شروع کرده‌اند!»





موریسیو سرش را بلند می‌کند و می‌بیند که همه‌ی دوستانش دارند با هم بازی می‌کنند و بسیار لذت می‌برند. لذتی که او با وجود بازی‌های بی‌شمار موجود در

تلفن همراهش تا به حال احساس نکرده است.



موریسیو متوجه می‌شود که تلفن همراهش چیز کاملی نیست و می‌تواند از بازی با دوستانش لذت بیشتری ببرد. برای همین، داد می‌زند: «توپ را برای من پرتاب کن!» و تلفن همراه را کنار می‌گذارد.

مدیرالسا خوشحال است که توانسته به میمون موریسیو کمک کند.





مدیرالسا با خوشحالی به بازدیدش ادامه می‌دهد.  
امروز افراد زیادی برای تماشای باغوحش آمده‌اند.



مدیرالسا به بازدیدکننده‌های آکواریوم سلام می‌کند. پسر کوچکی برای یک ماهی رنگی دست تکان می‌دهد. مدیرالسا لبخند می‌زند، چون در باغ وحش آنلاین همیشه ماجرای هست.

مدیرالسا به قفس پاندا می‌رسد. آن‌جا بسیار آرام است.  
پاندا پائول غمگین و ناراحت به نظر می‌رسد. حتی  
غذای بامبوی مورد علاقه‌اش هم او را خوشحال  
نمی‌کند.  
چه مشکلی ممکن است وجود داشته باشد؟ مدیرالسا به  
او سلام می‌کند و می‌پرسد: «چرا امروز این‌قدر ناراحت  
هستی؟»



پاندا پائول هم با صدایی بسیار غمناک به مدیرالسا سلام می‌کند  
و می‌گوید: «صبح‌به‌خیر مدیرالسا، امروز اصلاً حس خوبی  
ندارم. من خیلی چاقم و به این خاطر بسیار ناراحت هستم.»







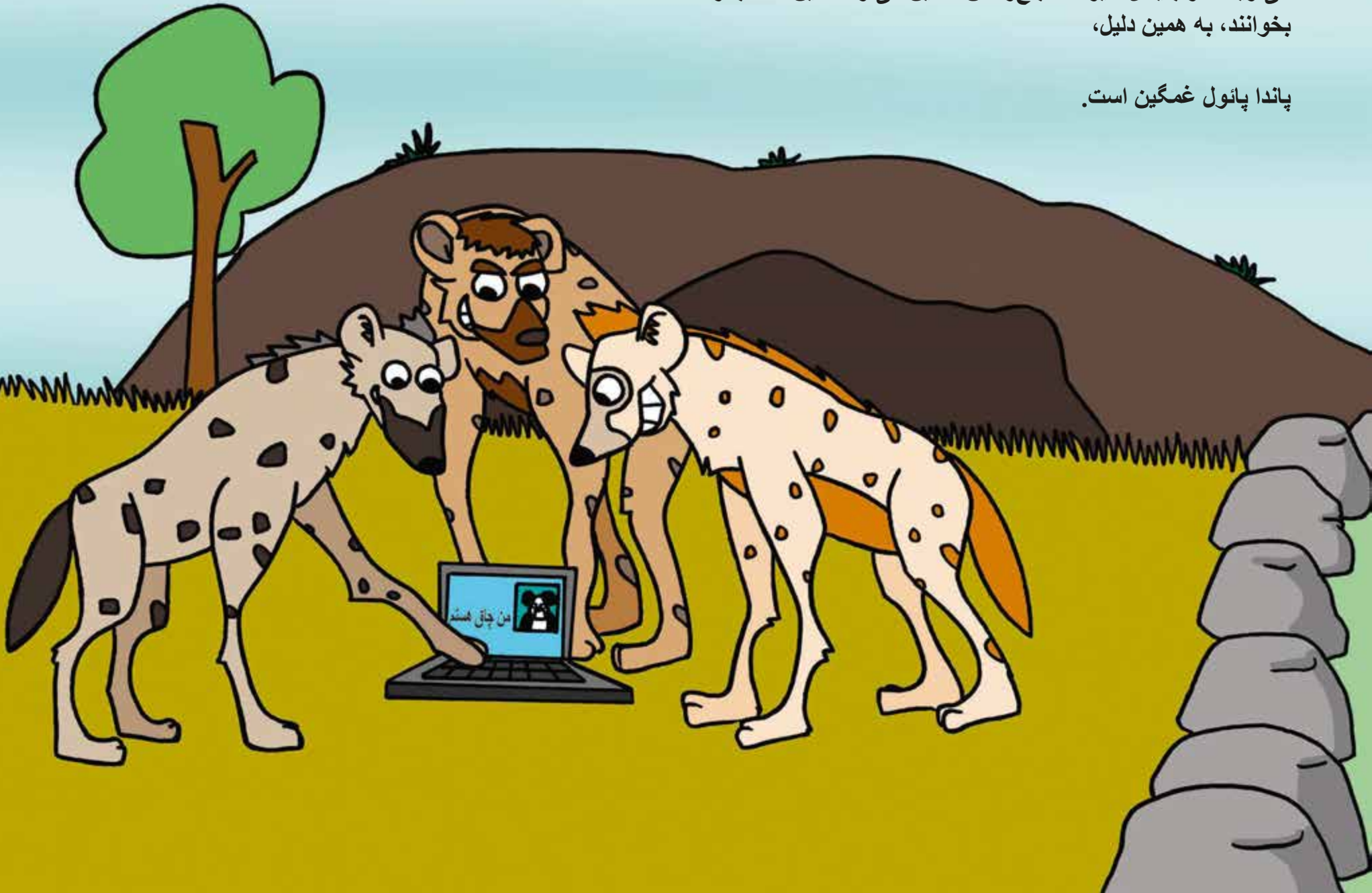
مدیرالسا خیلی ناراحت می‌شود و در جواب او می‌گوید:  
«ولی پائول عزیزم، این مسئله حتی ذره‌ای حقیقت ندارد.  
چطور به چنین تصور بی‌معنایی رسیدی؟»

پاندا پائول لپتاپش را به مدیرالسا نشان می‌دهد.  
یک نفر از راه اینترنت به او می‌گوید که خیلی  
چاق است. مدیرالسا صدای خنده‌ی بلند و  
خبیثانه‌ای را از قفس کناری می‌شنود.



از آنجا که کفتارهای قفس مجاور دارند چیزهای بدی درباره‌ی پاندا پائول  
می‌نویسند و بقیه‌ی حیوانات باغ‌وحش آنلاین می‌توانند این مطالب را  
بخوانند، به همین دلیل،

پاندا پائول غمگین است.





مدیرالسا پاندا پانول را آرام می‌کند و می‌گوید: «پانول عزیزم، تو نباید عصبانی بشوی. این فقط یک شیطنت بی‌ارزش است. تو نباید مطالب بی‌ارزش اینترنت را باور کنی، چون واقعیت ندارند. من می‌روم با گفتارها صحبت می‌کنم.»

پاندا پائول آرام می‌شود و از آنجا که خیلی گرسنه است، شروع به خوردن بامبوهایش می‌کند. مدیرالسا به سمت قفس گفتارها راه می‌افتد. او خیلی جدی به نظر می‌رسد. چون این گفتارها همیشه آماده خرابکاری هستند.



مدیرالسا به محل زندگی کفتارها می‌رود آن‌ها دور لپتاپ ایستاده‌اند و دارند می‌خندند. آیا دارند یک نقشه‌ی شیطانی اینترنتی دیگری را می‌کشند؟



کفتارها بلافاصله می‌فهمند که چرا مدیر آمده است. السا به کفتارها سلام کرده و روز خوبی برای‌شان آرزو می‌کند. بعد می‌گوید: «من آمده‌ام که بپرسم چرا شما در اینترنت مطالب زشتی راجع به پاندا می‌نویسید؟» کفتارها غافلگیر می‌شوند.



مدیرالسا توضیح می‌دهد که گفتن چیزهای نادرست و بی‌ارزش راجع به دیگران در اینترنت درست نیست. او اضافه می‌کند: «پاندا پائول خیلی ناراحت است و واقعاً

باور کرده که خیلی چاق است. در ضمن، حیوانات دیگر هم می‌توانند تمام این چیزها را بخوانند.»

یکی از گفتارها در جواب او می‌گوید: «مانمی‌دانستیم که او هر چیزی را باور می‌کند. آن کار برای ما فقط حکم یک شوخی را داشت. از این گذشته، ما نمی‌دانستیم که تمام حیوانات دیگر هم می‌توانند مطالب را بخوانند.»

کفتارها به نظر خجالت‌زده می‌رسند. حالا آن‌ها به  
اشتباه خود پی برده‌اند. این ماجرا برای آن‌ها  
ناراحت کننده است. آن‌ها فهمیده‌اند که  
شوخی‌شان اصلاً برای پاندا خنده‌دار نبوده است.



به همین دلیل، همه چیزهایی را که در اینترنت بارگذاری کرده بوده‌اند پاک می‌کنند. آن‌ها  
همچنین قول می‌دهند که دیگر هرگز از این کارها نکنند.





مدیرالسا خوشحال است که توانسته به پاندا و کفتارها کمک کند. او از عمل خودش خشنود است و به گشت و گذارش در باغ وحش ادامه می‌دهد.  
قسمت کانگوروها امروز خیلی آرام است.

مدیرالسا کنار قفس آنتلوپها\* می ایستد و می گوید: «سلام به همه. شما انگار خیلی سرتان شلوغ است. مشغول انجام چه کاری هستید؟» مامان آنه لیزه دارد یک قفسه ی جدید می سازد.

\* حیوانی شبیه گوزن



آنتلوپ کوچولوها، لائورا و لوکاس دارند از طریق کامپیوتر با کسی گفت‌وگو می‌کنند. اما آن‌ها با چه کسی در حال صحبت هستند؟ لائورا می‌گوید: «ما داریم با یک آنتلوپ دیگر که در باغ‌وحش زندگی می‌کند صحبت می‌کنیم.»



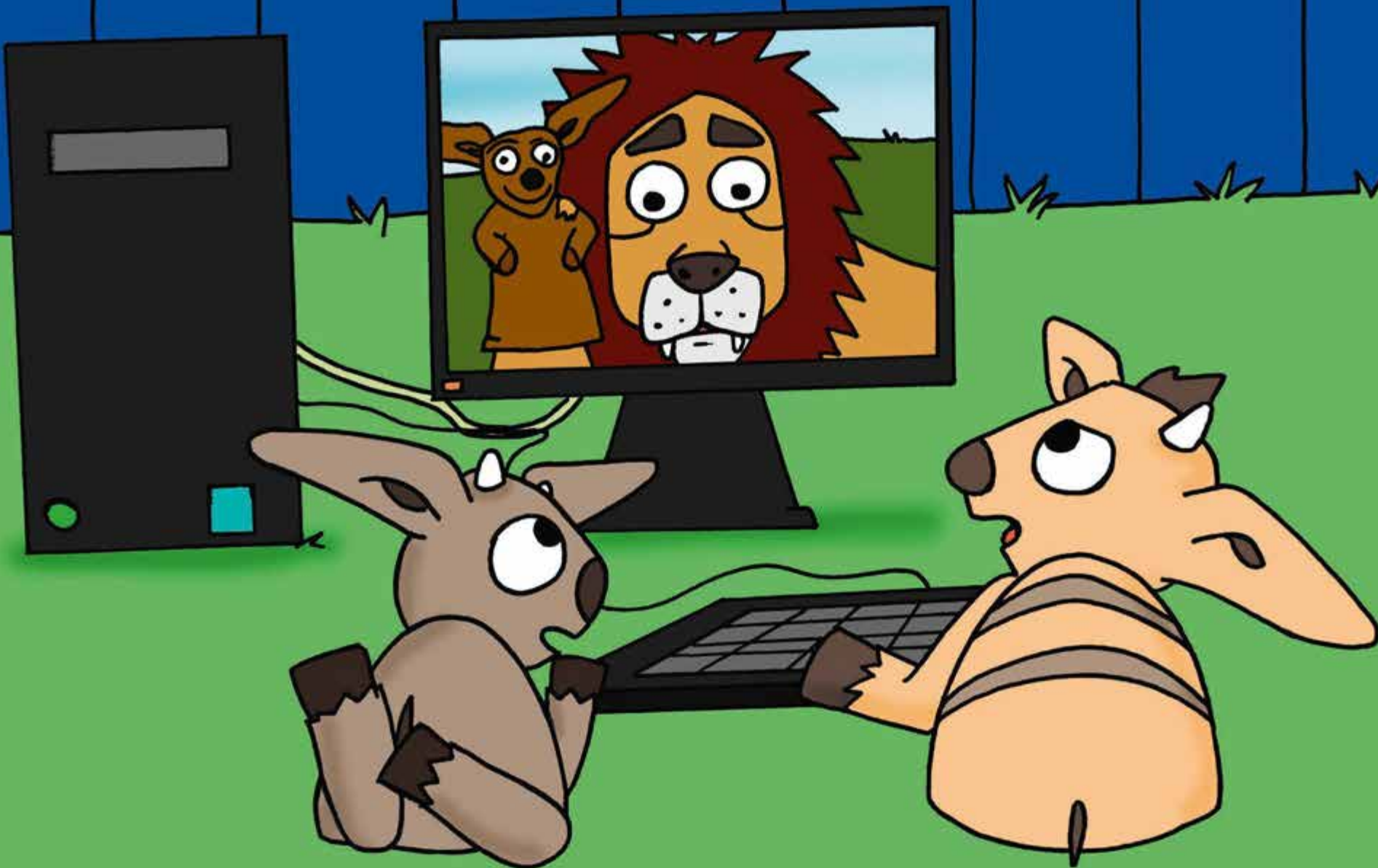


واقعاً صفحه‌ی نمایش کامپیوتر یک آنتلوپ دیگر را نشان می‌دهد. مدیرالسا تعجب می‌کند.  
آنتلوپ دیگری در باغ وحش نیست. پس لائورا و لوکاس با چه کسی صحبت می‌کنند؟



مدیرالسا متوجه می‌شود که حيله‌ای در کار است. لانورا و لوکاس با آنتلپ گفت‌وگو نمی‌کنند او حیوان دیگری است.

او شیر لونیس است که وانمود می‌کند یک آنتلپ است.



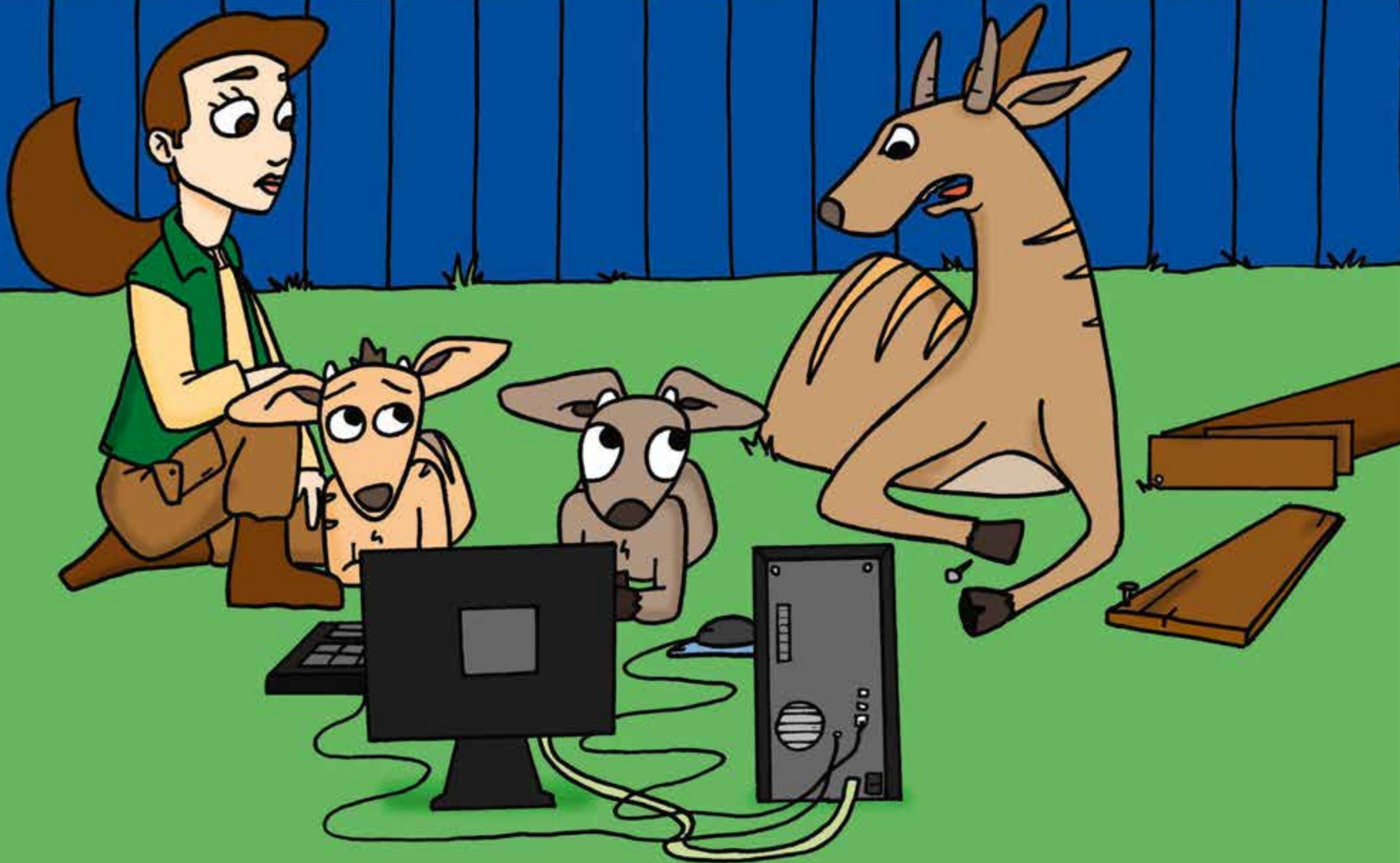
حالا، لانورا و لوکاس هم می‌توانند واقعیت را ببینند.  
شیر لوئیس با استفاده از یک عروسک خیمه شب‌بازی به این دو بچه کلک زده است.



حالا او بسیار شرمگین است و از  
مدیرالسا و آنتلوپها خجالت می‌کشد.

شیر چون حیلہ‌ی زشت‌اش رو شده  
است، دیگر چهره واقعی خودش را  
نشان می‌دهد.

آنتلوپ آنه لیزه به نفس نفس افتاده است، طوری که تقریباً از گوش هایش بخار بیرون می‌زند.  
«تو چرا وانمود کردی که یک آنتلوپ هستی؟ می خواستی لائورا و لوکاس را گول بزنی و بخوری؟»







شیر لونیس دست و پایش را گم کرده و دور خودش می‌چرخد. او نمی‌خواهد جوابی بدهد، ولی آنتلپ آنه لیزه دست‌بردار نیست. در نهایت، او می‌پذیرد: «بله، غریزه‌ی شکار بر من غلبه کرد. من اشتباه کردم که خودم را حیوان دیگری جا زدم. متاسفم.»

آنتلپ آنه لیزه سرش را تکان می‌دهد. او راضی شده، چون دیگر شیر متوجه عمل خودش شده است. او به بچه هایش می‌گوید: «شما باید همیشه مراقب خودتان باشید. این همیشه شامل زمان‌هایی که از اینترنت استفاده می‌کنید هم می‌شود.»

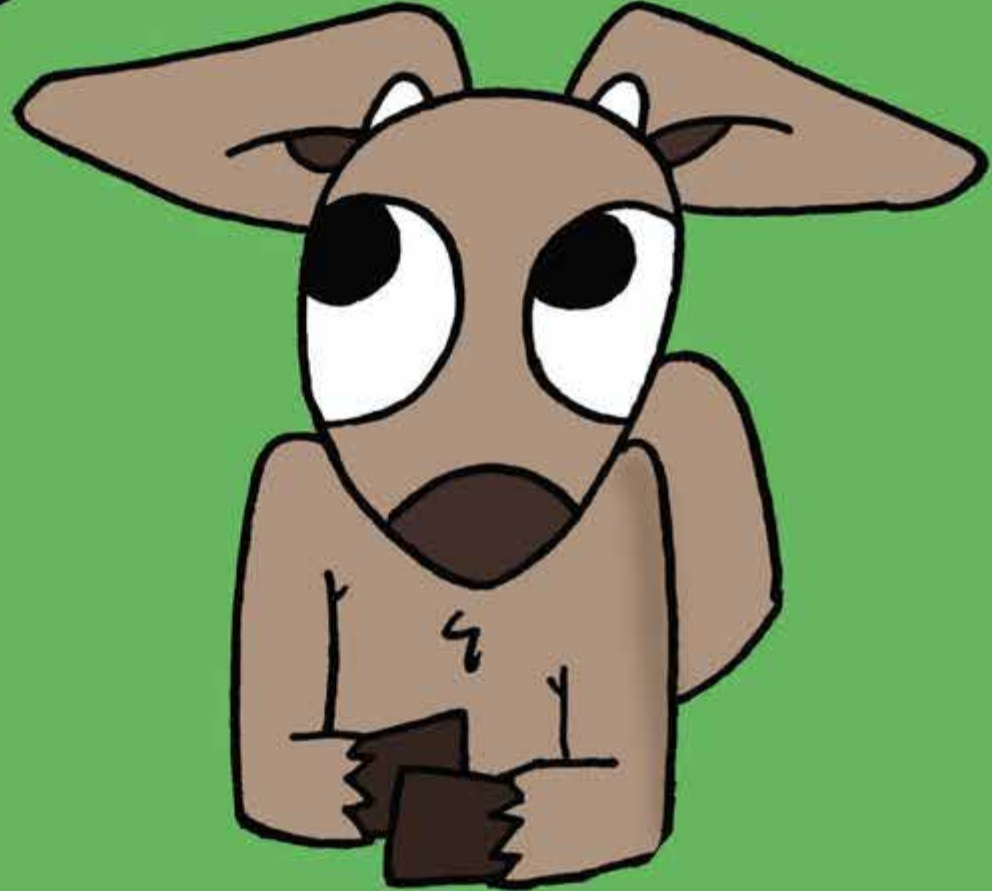
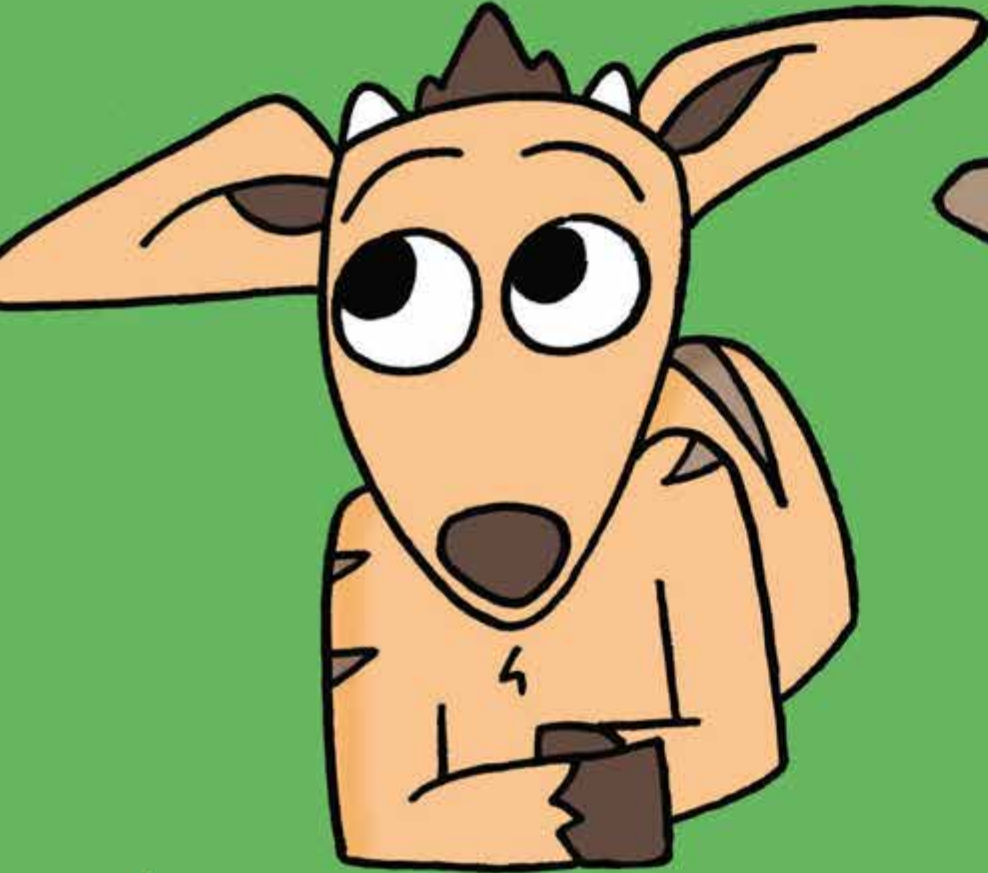
مدیرالسا با لانورا و لوکاس مشغول صحبت می‌شود و می‌گوید: «گاهی، برخی از گونه‌های حیوانی در فضای اینترنت وانمود می‌کنند که از گونه‌ای دیگر هستند.

به همین دلیل، شما باید مراقب باشید.» مدیرالسا آنها را کمی نصیحت کرد که دوباره در دام شیر نیفتند.

«اگر کسی به شما بیش از اندازه حرفهای خوب می‌زند یا وعده‌ی هدایایی را می‌دهد شما هم باید بیشتر از حد معمول احتیاط کنید. این حالت ممکن است نشانه‌ی این باشد که فرد موردنظر می‌خواهد شما را فریب دهد.» لانورا و لوکاس سرشان را به نشانه‌ی تصدیق تکان دادند.



مدیرالسا گفت: «و یک نکته‌ی دیگر. مخصوصاً وقتی باید بسیار هوشیار باشید که کسی از شما می‌پرسد در خانه تنها هستید یا خیر. همین‌طور باید وقتی که از شما سؤال‌های کنجکاوانه مثل آدرس خانه و شماره تلفن‌تان را می‌کنند، حواس‌تان را جمع کنید. اگر کسی چنین سؤال‌هایی از شما کرد، باید گفت‌وگو را تمام و دربارهی این موضوع با مادرانه لیزه صحبت کنید.»





آنتلپ‌های کوچک با دقت به حرف‌های او گوش می‌دهند. آنها قول می‌دهند که در آینده وقتی به اینترنت وصل می‌شوند بیشتر مراقب باشند. شیر هم قول می‌دهد که درست رفتار کند. مدیرالسا خوشحال است که توانسته هم به آنتلپ‌ها و هم به شیر کمک کند.



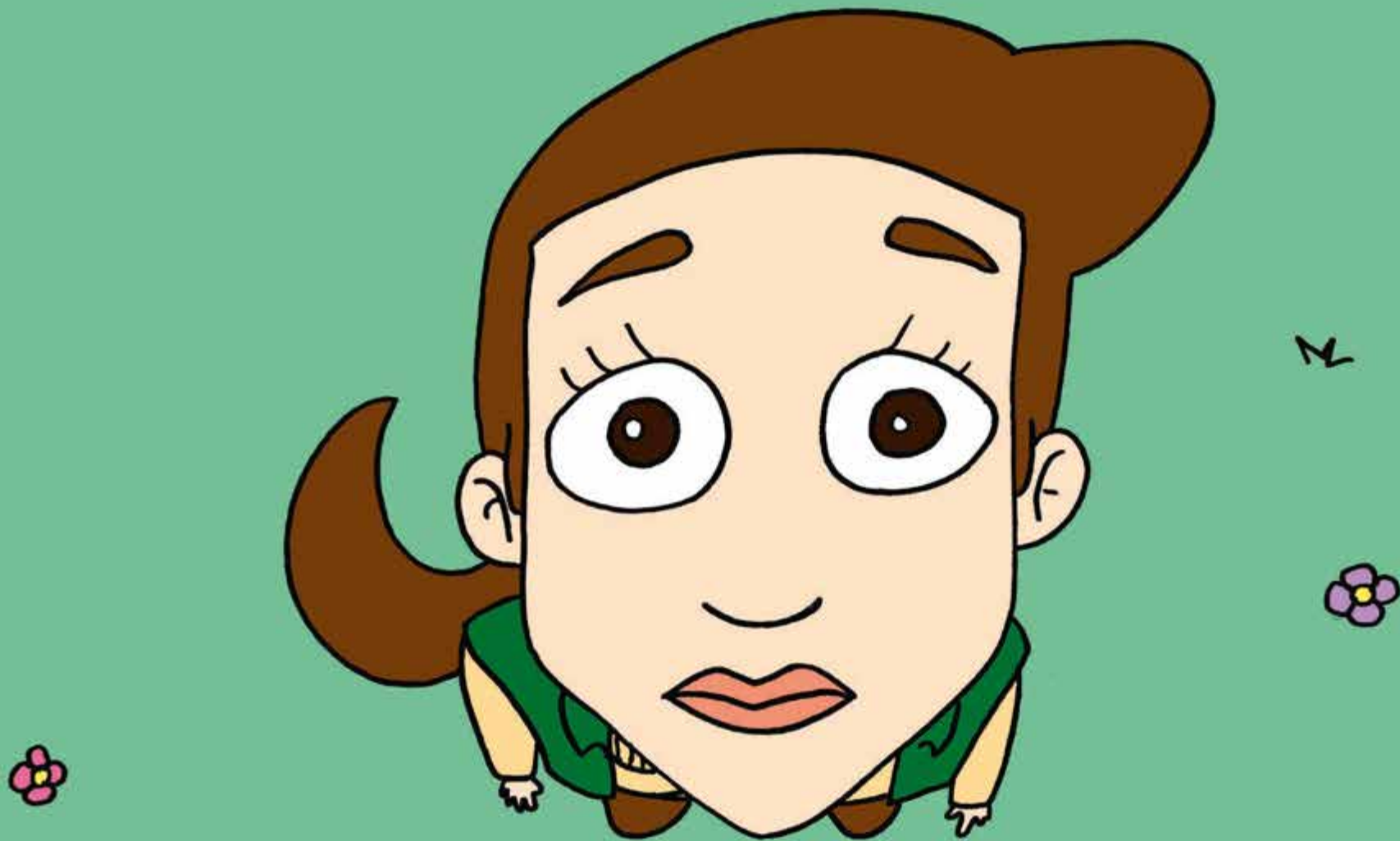
مدیرالسا به آن طرفتر به قفس زرافه نگاه می‌کند. زرافه گرتا که در کنار نرده ایستاده، بسیار خوشحال به نظر می‌رسد.

آنجا چه خبر است؟

تحويل دهنده مي آيد و كلي بسته مي آورد.



مدیرالسا بسته‌های زیادی که تحویل داده شده را می‌بیند و به زرافه نگاه می‌کند. «سلام گرتا، این جا چه خبر است؟» گرتا در جواب می‌گوید این ها هدیه هستند. تمام این هدایا مال من است. مدیرالسا شگفت‌زده به نظر می‌آید. تولد زرافه گرتا ماه آینده است، چطور ممکن است که او هدیه‌هایش را پیش‌تر گرفته باشد؟



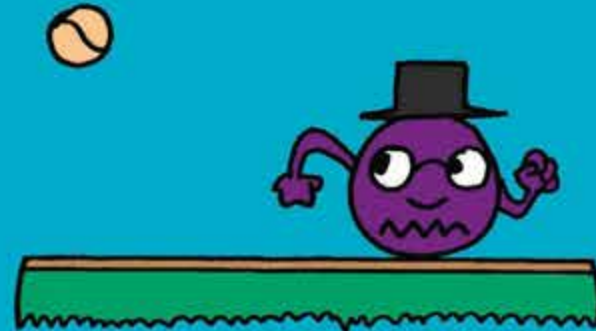
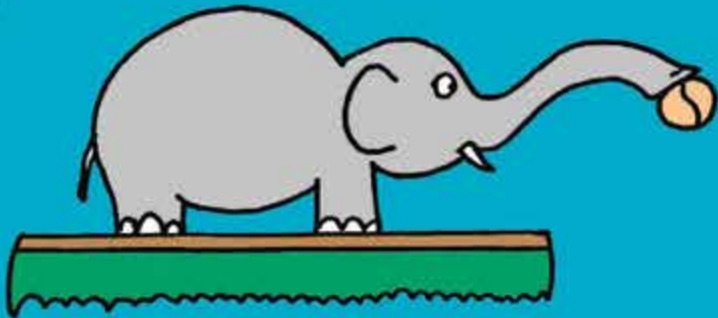
۱۲



زرافه گرتا می‌گوید: «نگاه کن. من از طریق یک  
نرم‌افزار کامپیوتری هدایا را دریافت کردم.»



عروسک‌های نرم و  
بامزه را تحویل بگیر!  
همین الان بخر!

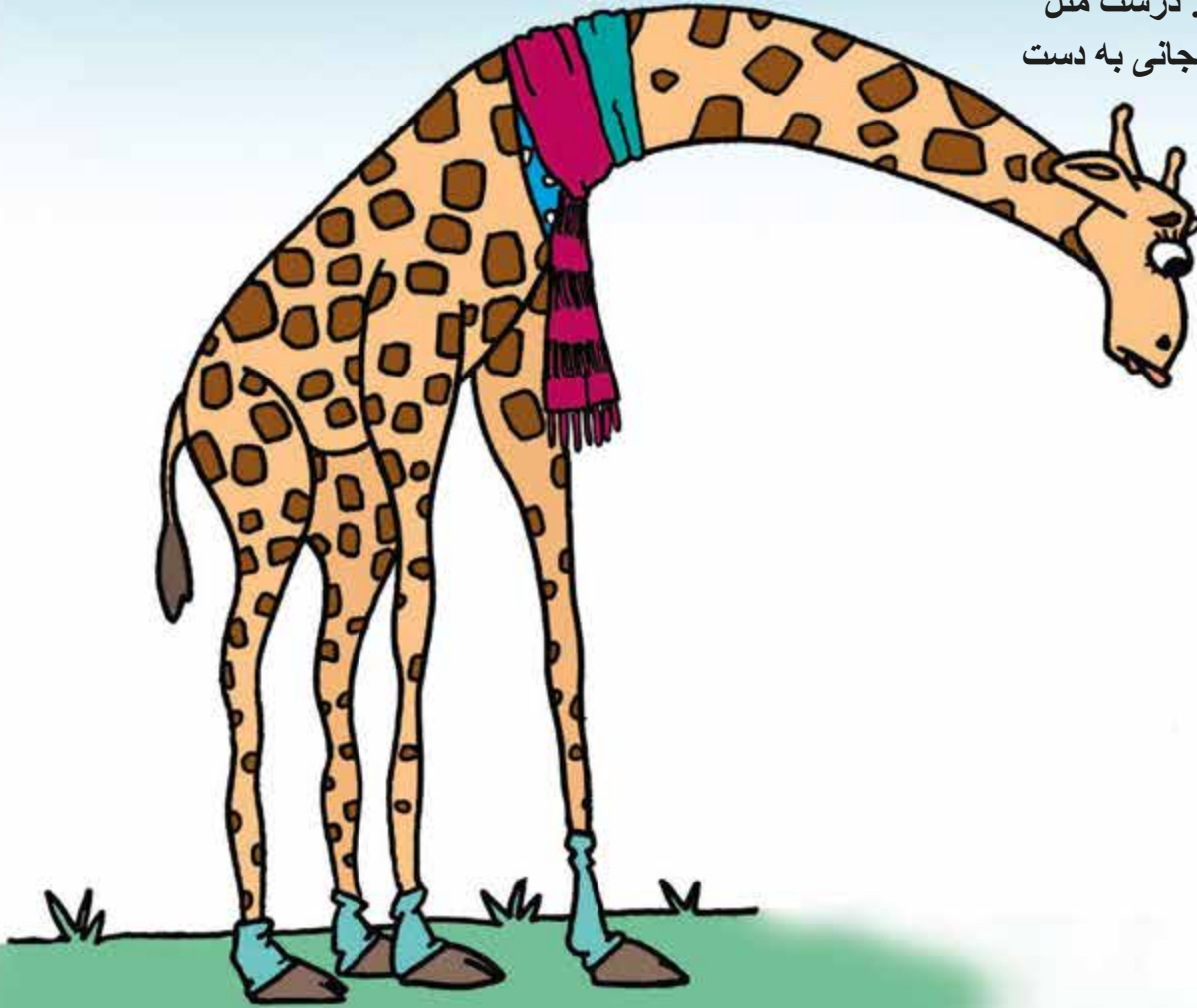


گرتا توضیح می‌دهد: «در این نرم‌افزار کامپیوتری دکمه‌ای  
است که روی آن نوشته «عروسک نرم و بامزه ات را  
تحویل بگیر». من آن دکمه را فشار دادم و حالا تمام این  
هدایا را دارم تحویل می‌گیرم.»

مدیرالسا می‌گوید: «وای، نه! آن‌ها هدیه نیستند. تو عروسک‌های نرم را خریده‌ای.»

گرتا نمی‌تواند این موضوع را باور کند. او به نظر شگفت‌زده می‌آید و می‌گوید: «نه! من آن‌ها را نخریدم.» ولی ناگهان به نظر می‌رسد که دیگر خیلی مطمئن نیست. مدیرالسا توضیح می‌دهد: «ولی متأسفانه تو این کار را انجام دادی. درست مثل دنیای واقعی، تو از طریق اینترنت هم نمی‌توانی هدایای مجانی به دست

بیاوری. دکمه‌ای که فشار دادی، دکمه‌ی خرید بوده است.»





مدیرالسا تمام بسته‌ها را توسط مرد تحویل‌دهنده پس می‌فرستد. او به تحویل‌دهنده توضیح می‌دهد که زرافه گرتا اشتباه کرده و نمی‌دانسته است که دارد عروسک‌های نرم را می‌خرد.



علاوه بر این، گرتا فراموش کرده است که قبل از خرید از والدینش اجازه بگیرد. او بدون اجازه‌ی مادر زرافه و پدر زرافه اجازه‌ی خرید اسباب‌بازی ندارد. مدیرالسا

به زرافه گرتا توضیح می‌دهد که مراقب چه چیزهایی باید باشد. «اغلب حین بازی، دکمه‌هایی نمایان می‌شوند که به تو وعده می‌دهند که می‌توانی اسباب‌بازی یا

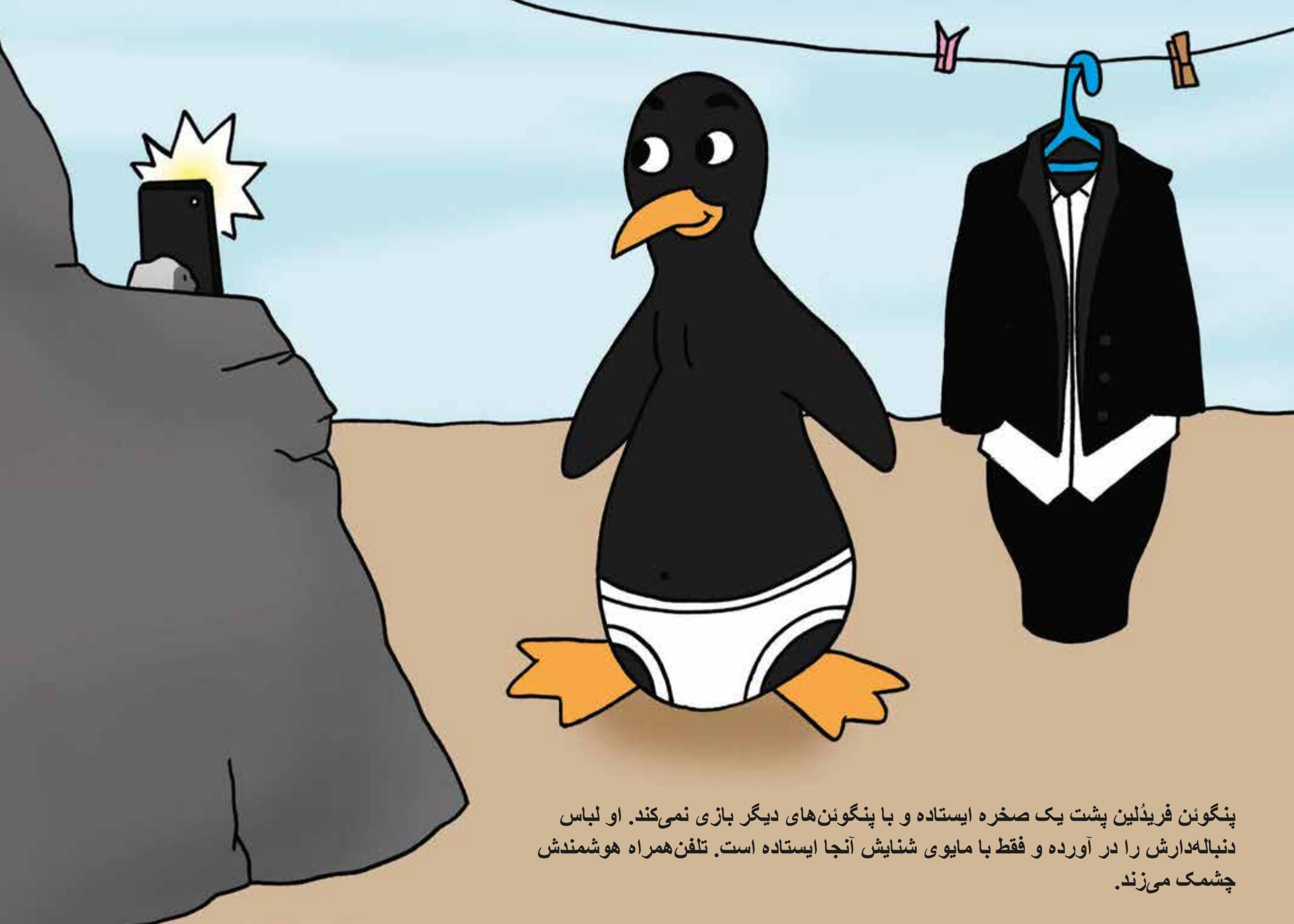
چیزهای مشابه دریافت کنی. تو باید مراقب این‌گونه دکمه‌ها باشی.» السا گونه‌ی گرتا را نوازش می‌کند.

«همان طور که در باغ وحش معمولی کسی نمی‌تواند به طور رایگان چیزی را صاحب شود، در باغ وحش آنلاین هم نمی‌تواند، اما به هر حال تو الان باز هم می‌توانی بروی و بازی کنی.»

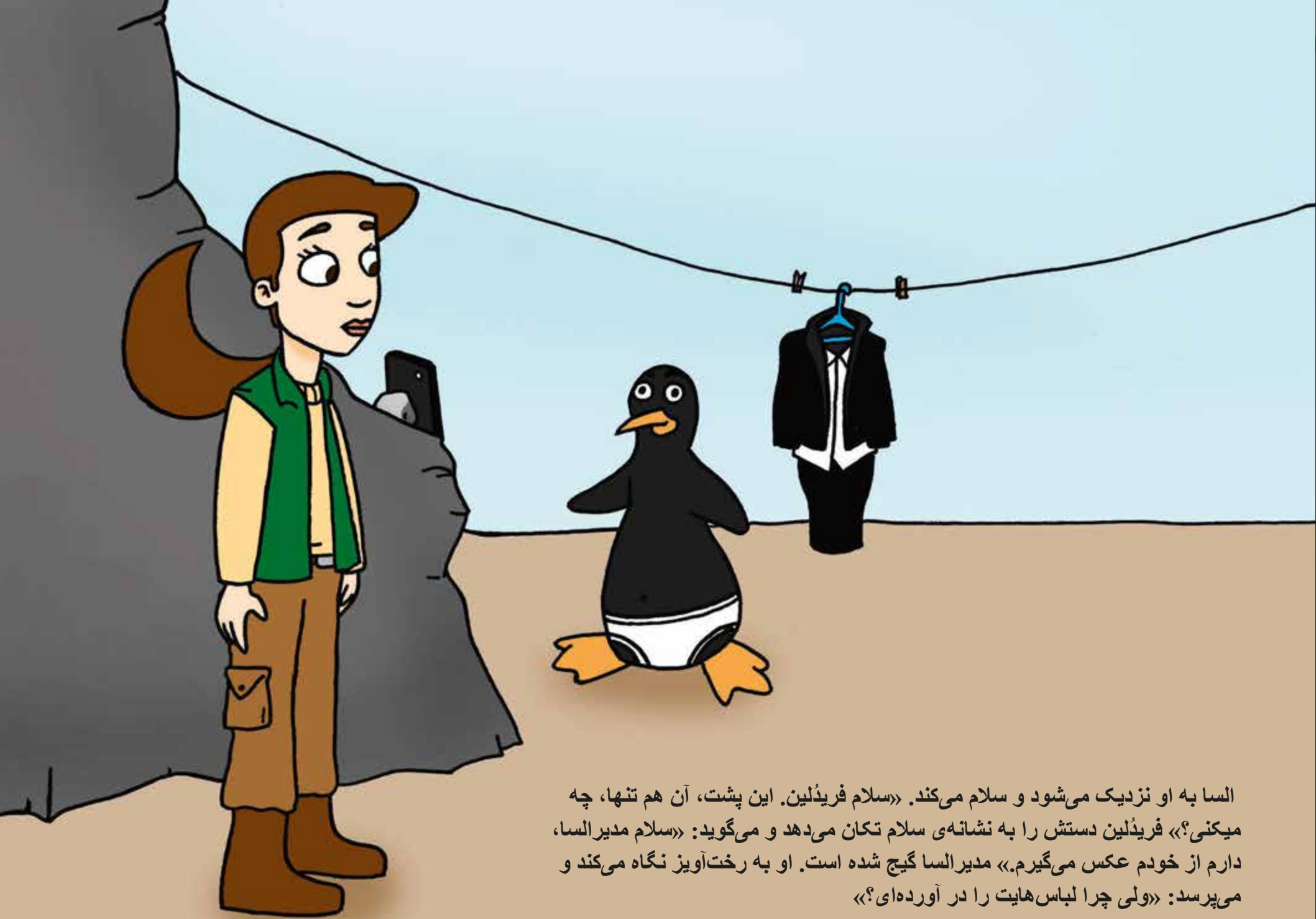


مدیرالسا به گشت و گذارش ادامه می‌دهد. بازدید او از باغ وحش تقریباً  
رو به پایان است. آخرین مکان توقف او محوطه‌ی پنگوئن‌هاست. آن‌ها  
یک استخر بزرگ با یخ‌های شناور روی آب دارند.

همه‌ی پنگوئن‌ها با خوشحالی مشغول بازی هستند و باهم در استخر شنا  
می‌کنند یا از روی یخ‌های شناور به درون آب می‌پرند. فقط یک پنگوئن  
کناری ایستاده است. مدیرالسا از خودش می‌پرسد: «او چه کار می‌کند؟»



پنگوئن فریڈلین پشت یک صخره ایستاده و با پنگوئن‌های دیگر بازی نمی‌کند. او لباس دنباله‌دارش را در آورده و فقط با مایوی شنایش آنجا ایستاده است. تلفن همراه هوشمندش چشمک می‌زند.



السا به او نزدیک می‌شود و سلام می‌کند. «سلام فریڈلین. این پشت، آن هم تنها، چه میکنی؟» فریڈلین دستش را به نشانه‌ی سلام تکان می‌دهد و می‌گوید: «سلام مدیرالسا، دارم از خودم عکس می‌گیرم.» مدیرالسا گیج شده است. او به رخت‌آویز نگاه می‌کند و می‌پرسد: «ولی چرا لباس‌هایت را در آورده‌ای؟»

فریدلین به نظر بسیار جدی می‌رسد می‌گوید: «لباس‌هایم را به این خاطر در آوردم که می‌خواستم از مایوی شنای جدیدم عکس بگیرم. می‌خواستم عکس را برای پنگوئن‌های دیگر بفرستم.»



مدیرالسا نگران می‌شود و می‌گوید: «ولی فریدلین، تو نمی‌توانی عکس خودت را در حالی که فقط یک مایوی شنا به تن داری برای حیوانات دیگر بفرستی.»



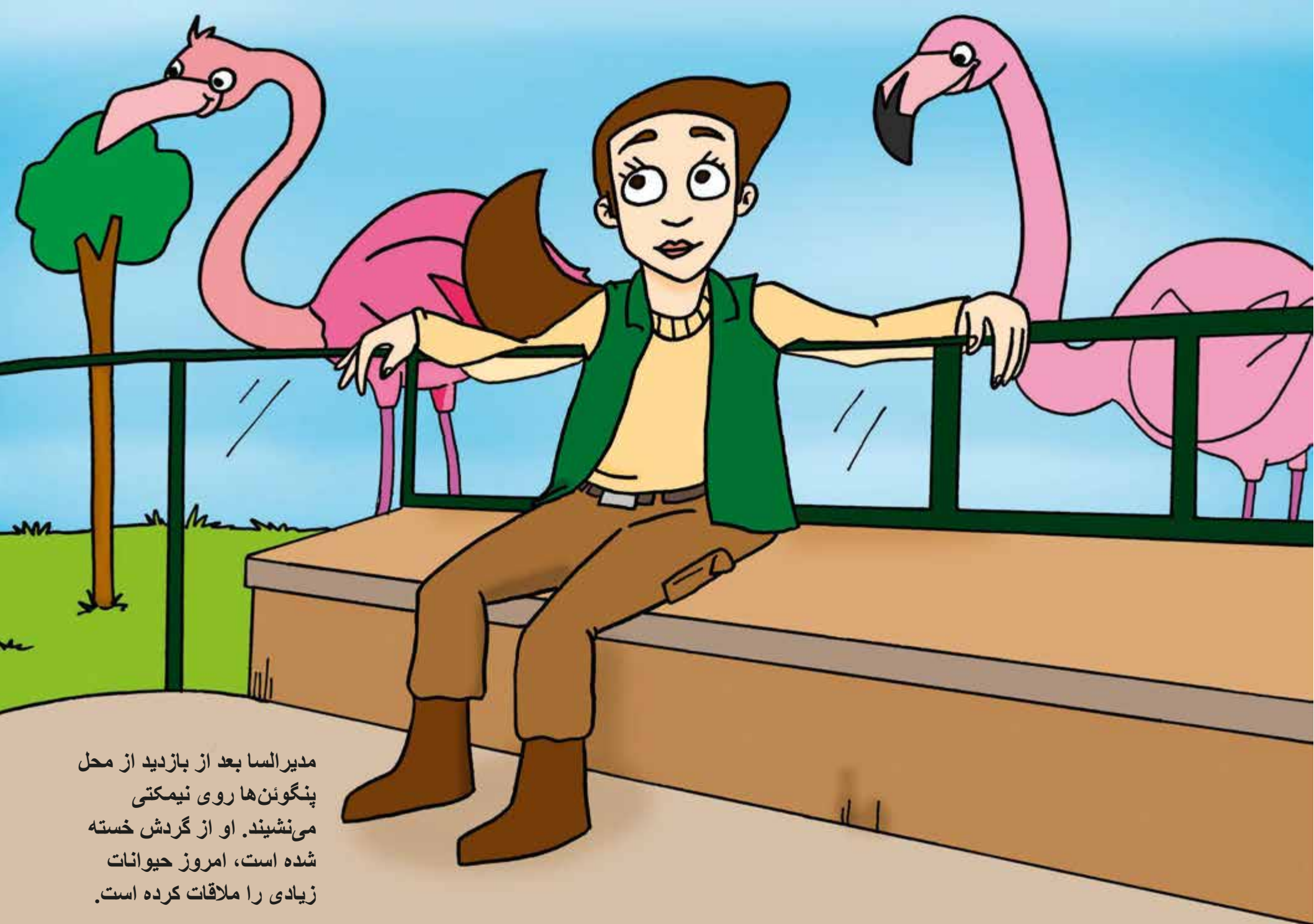
فریدلین از خجالت سرخ می‌شود. او نمی‌دانست که مدیرالسا نظر او را نمی‌پسندد. او همان‌طور که گیج شده است، می‌پرسد: «چرا شما نظر مرا نمی‌پسندید؟» و ناگهان به شدت خجالت می‌کشد.



مدیرالسا توضیح می‌دهد: «تو نباید عکس‌هایی را که در آن‌ها فقط یک مایوی شنا به تن داری به روی اینترنت بفرستی. تو هرگز نمی‌توانی بفهمی عاقبت عکس‌هایی که روی اینترنت می‌فرستی به کجا ختم می‌شود و به دست چه کسی می‌رسد.»



فریدلین جواب می‌دهد: «من فقط می‌خواستم عکس را برای پنگوئن‌های دیگر بفرستم.»  
مدیرالسا لبخند دل‌سوزانه‌ای می‌زند. «یک عکس ممکن است به سرعت به جاهای مختلفی  
برسد، سریع‌تر از آن چیزی که فکرش را بکنی. فقط تصور کن حیوانی آن را برای گفتارها  
بفرستد، آن وقت آن‌ها می‌توانند با آن عکس‌ها دست به شیطنت‌های زیادی بزنند. یا ممکن  
است حیواناتی که اصلاً نمی‌شناسی و نمی‌خواهی عکس تو را داشته باشند، آن را به دست  
بیاورند. حالا، پنگوئن فریدلین متوجه حرف‌های السا می‌شود «اینترنت وسیع است و من  
نمی‌توانم بفهمم که حیوانات دیگر با عکس‌های من چه می‌کنند. درست است؟» مدیرالسا  
سرش را به نشانه‌ی تصدیق تکان می‌دهد. «درست است.» و به فریدلین چشمک می‌زند.

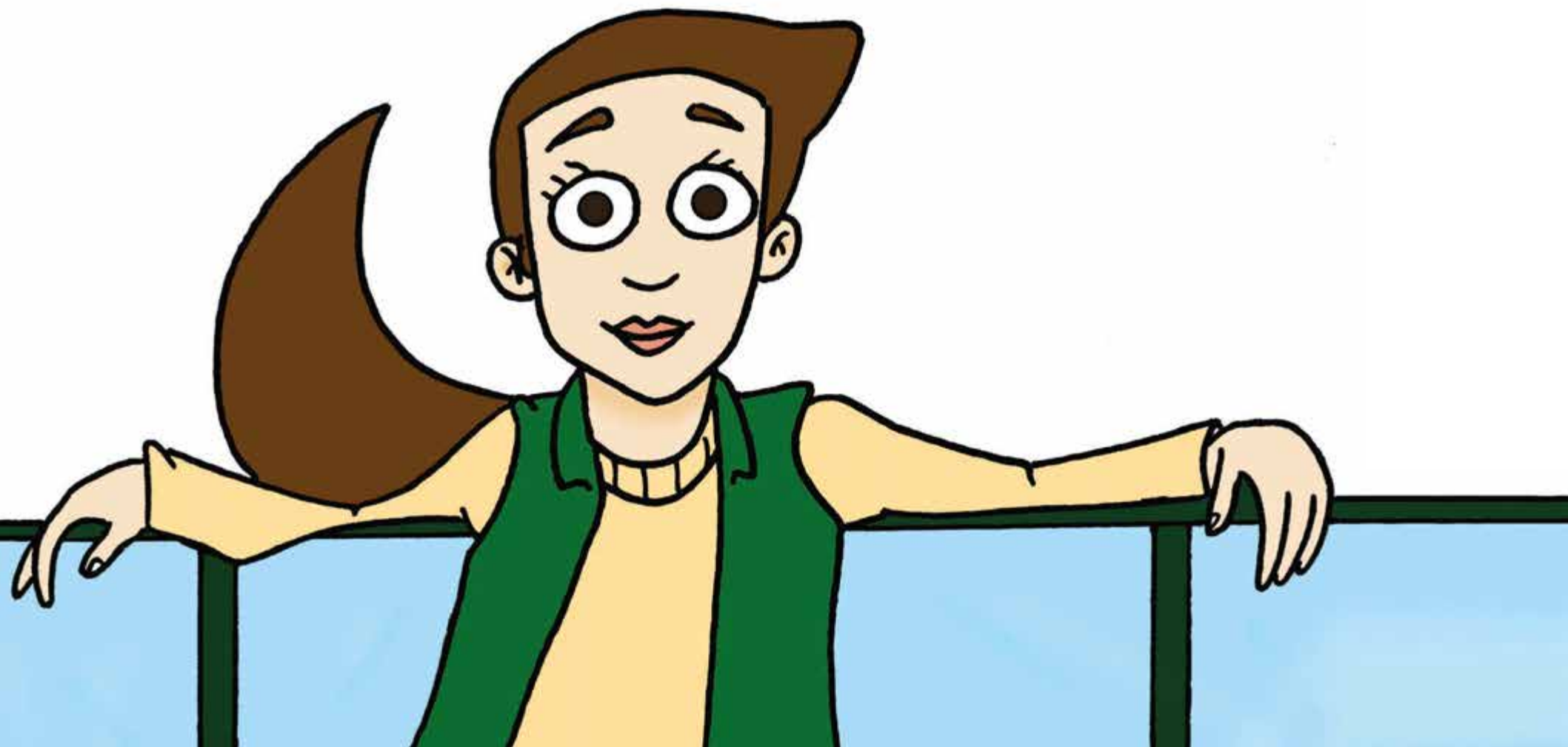


مدیرالسا بعد از بازدید از محل  
پنگوئن‌ها روی نیمکتی  
می‌نشیند. او از گردش خسته  
شده است، امروز حیوانات  
زیادی را ملاقات کرده است.



با این که باغ وحش آنلاین باغ وحشی استثنایی است،  
گه گاه مسائلی در رابطه با استفاده از اینترنت،  
تلفن های همراه و کامپیوترها به وجود می آید.  
مدیرالسا فکر می کند «مهمترین نکته این است که اگر  
حیوانات به کمک نیاز داشتند آن را مطرح کنند.»

مدیرالسا آخرین بازدیدکننده‌ها را می‌بیند که دارند به خانه برمی‌گردند.  
روز بعد چه اتفاقی خواهد افتاد؟ السّا لبخند می‌زند.  
هر اتفاقی که بیفتد، حتماً شگفتی‌های زیادی به همراه خواهد داشت.



پایان



احمد عبدالسلام

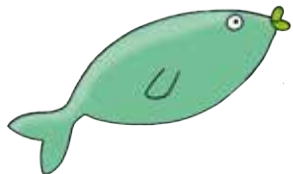
احمد عبدالسلام فیلمنامه نویسی آزاد، کارگردان و هنرپیشه است. وی در سال ۱۹۸۳ در وین به دنیا آمد و از همان دوران کودکی به علاقه ی خود نسبت به پیشه ی نقالی پی برد. اولین فیلمنامه های تاثیرگذارش سرانجام او را در سال ۲۰۱۰ به سمت آکادمی فیلم وین، همان مکانی که اکنون در آن مشغول به گذراندن دوره ی کارشناسی ارشد در رشته ی کتاب و نمایشنامه نویسی است، سوق دادند. او در سال ۲۰۱۳ موفق به اخذ جایزه ی " کارل مایر " شد و در سال ۲۰۱۴ نیز، یک کمک هزینه ی یکساله از انجمن ادبی " مِشانا " دریافت کرد.

وی در سال ۲۰۱۷ جهت دریافت بورسیه "فلوشیپ رهبران جوان" توسط بنیاد توکیو برگزیده شد. احمد درحال حاضر، روی پروژه های فیلم متعددی کار می کند.



دانیلا دربنا

دانیلا دربنا در سال ۱۹۸۸ در براتیسلاوا متولد شد. او از سال ۱۹۹۱ تاکنون در وین زندگی می کند. وی مشغول تحصیل در رشته ی علوم ارتباطات و زبان و ادبیات آلمانی با تمرکز بر سواد رسانه ای و رسانه های دیجیتال است. کارهای ادبی او بارها موفق به اخذ بورسیه و جوایز متعدد شده، به عنوان مثال او برای اولین رمان خود، جایزه ی ادبی وزارت فرهنگ اتریش را دریافت نموده است. جدیدترین اثر او نیز، جایزه ی " میرا لوبه " را برای ادبیات کودک و نوجوان از صدارت عظمای جمهوری فدرال اتریش کسب نمود. او هم چنین، دارای یک جایزه ی فیلمنامه از انجمن فیلمنامه نویسی اتریش است. علاوه بر این، وی از سال ۲۰۱۸ در موسسه ی هنرزیان دانشگاه، هنرکارپردی تدریس می کند. رمان جدید او با عنوان " زمانی که کلیسا از رودخانه عبور کرد " در سال ۲۰۱۸ توسط نشر " پیپر " چاپ می شود. " دی دی " سال هاست که به صورت تمام وقت در شاخه ی کاری آی تی مشغول است.



## Impressum

Der Online-Zoo

Autorin: Daniela Drobna

Illustrator: Achmed Abdel-Salam

Übersetzerin: Bahareh Afshari

Lektorat: Ronak Hosseini

Projektleitung: Daniela Drobna

Projektverantwortlicher: Maximilian Schubert

Medieninhaber und Verleger: ISPA - Internet Service Providers

Austria

Verband der österreichischen Internet-Anbieter

Währinger Straße 3/18

1090 Wien

1. Auflage, Wien 2018

ISBN-Nummer: 978-3-9504613-0-5

Gefördert durch die Europäische Union -

Safer Internet Programm

[www.ispa.at/kinderbuch](http://www.ispa.at/kinderbuch)

## مشخصات ناشر

باغ وحش آنلاین

نویسنده: دانیلا درُنا

تصویرنگار: احمد عبدالسلام

مترجم: بهاره افشاری

ویراستار: روناک حسینی

مدیریت پروژه: دانیلا درُنا

مسئول پروژه: ماکسمیلیان شوبرت

ناشر و صاحب رسانه: آی.اس.پی.ای، اتحادیه‌ی ارائه

دهندگان خدمات اینترنت اتریش

منطقه ۹ اتریش، خیابان ورینگر، پلاک 3، واحد 18

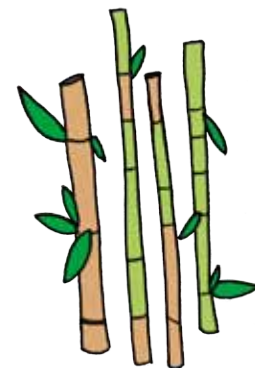
چاپ دوم وین ۲۰۱۸

شماره آی.اس.بی.ان: 978-3-9504613-0-5

تامین مالی از سوی اتحادیه اروپا، پروژه اینترنت

امن‌تر

[www.ispa.at/kinderbuch](http://www.ispa.at/kinderbuch)





آی.اس.پی.ای « اتحادیه‌ی ارائه دهندگان خدمات اینترنت اتریش »

آی.اس.پی.ای به عنوان سازمان پشتیبانی اقتصاد اینترنت، نمایندگی بیش از 200 شاخه از تمام بخش های فعال با محوریت اینترنت را برعهده دارد و از طریق فعالیت‌هایش به ارتقاء اینترنت و فضای مجازی یاری می‌رساند. آی.اس.پی.ای به استفاده از اینترنت به عنوان یک مهارت ضروری فرهنگی احترام می‌گذارد و افزایش مسئولیت‌های اجتماعی را از طریق برنامه‌هایی مانند استپ لاین (برای مقابله با هرزه نگاری کودکان و نژادپرستی) متقبل می‌شود.

به عنوان بخشی از پروژه ی اینترنتی امن‌تر، نمایندگی اروپا، ما ابزاراطلاعات متعدد و گوناگون را گسترش می‌دهیم تا آگاهی کودکان و نوجوانان را در زمینه‌ی استفاده از وسایل ارتباط جمعی پرورش دهیم و هم چنین میزان امنیت و مسئولیت را در هنگام کاربری از اینترنت بالا ببریم. تا پایان سال 2015، ما 100.000 نسخه از کتاب راهنمای جامع مان « استفاده ی سالم از اینترنت » چاپ کردیم و به مدارس، دانشگاه ها، والدین، معلمان و تمام کاربران اینترنتی علاقمند اهدا نمودیم.

شما می‌توانید تمام بروشورهای آی.اس.پی.ای را از نشانی اینترنتی [www.ispa.at/broschueren](http://www.ispa.at/broschueren) به طور رایگان دریافت نمایید.

هم چنین اطلاعات بیشتر در زمینه ی استفاده ی سالم از اینترنت را از طریق سایت [www.saferinternet.at](http://www.saferinternet.at) به دست آورید.

اینترنیٹ  
امن



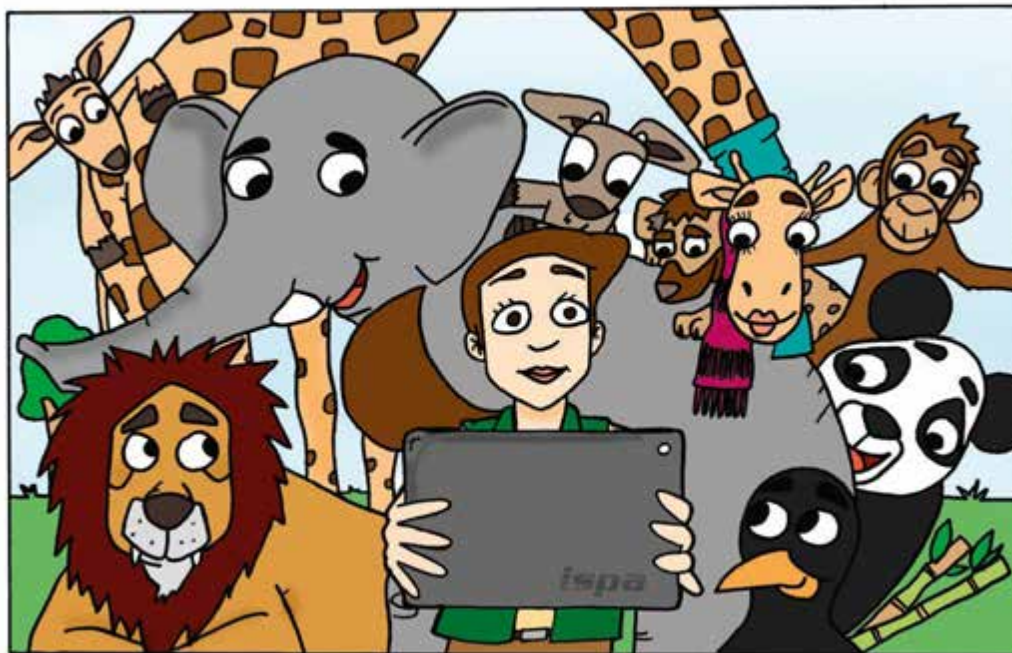
WWW.



وای  
ای فای







باغ وحش آنلاین یک باغ وحش معمولی نیست. در این باغ وحش، نه تنها مدیر السا بلکه حیوانات هم به صورت آنلاین از اینترنت استفاده می‌کنند، ستفاده از تلفن‌های همراه هوشمند، تبلت‌ها، لپ‌تاپ‌ها و کامپیوترها، بخشی از زندگی روزمره در باغ وحش آنلاین است. مدیر السا هنگام گردش روزانه در باغ وحش، متوجه می‌شود که اینترنت و تمام وسایل الکترونیکی دیگر، می‌توانند موجب بروز کشمکش‌هایی شوند. آیا او قادر است به تمام حیوانات کمک کند؟

این کتاب به صورت الکترونیکی نیز قابل دریافت است!

[www.ispa.at/kinderbuch](http://www.ispa.at/kinderbuch)

به دست آورید.

ISBN-Nr.: 978-3-9504613-0-5



9 783950 461305